

مسجد نماد همبستگی اسلامی

سید علی سادات فخر

چکیده

برافراشتن بنیان‌های مسجدالحرام توسط حضرت ابراهیم علیه‌السلام و تأسیس مسجد در آغاز مهاجرت به مدینه توسط پیامبر گرامی اسلام، نماد همبستگی اجتماعی را به نمایش می‌گذارد؛ براین اساس، احترام و حفظ مسجد برای پایداری همبستگی یک ضرورت است و حضور در مسجد تمرینی برای همبستگی دینی محسوب می‌گردد. نگارنده با اشاره به لزوم آراستگی ظاهر و پیراستگی باطن به هنگام حضور در مسجد، جهت‌دهی اعمال عبادی برای تداوم همبستگی را مورد توجه قرار داده، و بر استفاده عمومی از مسجد و لزوم محافظت از آن تأکید ورزیده است و در پایان، ساختن آینده را از مساجد و با مساجد، راه‌حل تعالی امت اسلامی دانسته است.

اشاره

ابراهیم علیه‌السلام به همراه همسر و کودک خردسالش راه بیابان در پیش گرفت. او نه سودای سوداگری داشت، نه دل گردشگری؛ آن سه آرام آرام به سمت بیابان‌های بی‌آب و علف پیش رفتند تا به سرزمین موعود رسیدند.

او کوله‌بار مهاجرت بر زمین بی‌آب و علف نهاد و بر پایه‌های برجای مانده از روزگار انسان آسمانی، خانه خدا را باز ساخت.

﴿وَإِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَإِسْمَاعِيلُ﴾^۱

او خانه‌ای نمادین برای نمایش همبستگی ادیان و حیانی در سطح جهانی ساخت و چه زیباست که نام آن خانه، مسجدالحرام^۲ نهاده شد. در قرآن مجید به مسجدالحرام، خانه خدا (بیت الله الحرام) نیز اطلاق شده است.^۳

ابراهیم خلیل الله^۴ در کنار همسر و فرزند خردسالش دست به آسمان بلند کرد و گفت:

^۱ . بقره / ۱۲۷ . «و آنچه که ابراهیم و اسماعیل پایه‌های خانه را بالا می‌بردند».

^۲ . در قرآن ۱۵ بار کلمه مسجدالحرام آمده است، روحانی، فرهنگ آماری کلمات قرآن: ج ۳، ص ۱۳۹۵ .

^۳ . ابراهیم / ۳۷ .

^۴ . نساء / ۱۲۵ . «و اتخذ الله ابراهیم خلیلاً».

«رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بُوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ
فَاجْعَلْ أَقْدَامَهُمْ مِنْ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ وَارْزُقْهُمْ مِنَ الثَّرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ»^۵

پس از بازسازی خانه خدا، ابراهیم خلیل علیه السلام، تاریخی ترین تصمیم خویش را گرفت؛ او تنها برگشت و همسر و فرزندش را در کنار مسجدالحرام بر جای نهاد. نه این بود که او به تنهایی یک امت بود^۶ و اکنون این اسماعیل است که باید چونان پدر خویش، ادامه دهنده و گسترش دهنده امت باشد. روزها و ماهها و سالها گذشت و اندک اندک خانه‌ای که خلیل خداوند برای سپاس‌گزاری از خداوند ساخته بود، به مکانی برای ناسپاسی تبدیل شد. خداوند برای آخرین بار برای انسان، پیامی ویژه به وسیله حبیب فرستاد. حبیب خدا، رسول گرامی اسلام آمد و پیام خداوند را با کلمات خداوند بر انسان گم کرده راه، قرائت کرد و مسجدالحرام را به جایگاه اصلی خویش برای عبادت و سپاس‌گزاری برگرداند. پیامبر عظیم‌الشان اسلام در کنار خانه خدا سیزده سال مبارزه نمود، و تبلیغ کرد. و در برابر تخریب و تزویر و تطمیع کافران و مشرکان مقاومت نمود. زمانی که احساس کرد آنان توطئه کشتن او را در سر می‌پروراند، تصمیمی تاریخ‌ساز گرفت و هم‌چون ابراهیم مهاجرت نمود. او ناچار، از کنار نماد همبستگی جهانی دین اسلام مهاجرت کند، او نیز یک امت و تصمیم‌گیری او هم‌چون ابراهیم علیه السلام سرنوشت ساز بود.

او در نخستین اقدام خویش پس از مهاجرت، نمادی جدید از همبستگی اسلامی به نام مسجد بنیان نهاد، نمادی از همبستگی اسلامی در سطح ملی و خردتر.

او با تأسیس مسجد به عنوان نمادی از همبستگی اسلامی در سطح قومی و ملیتی و کشوری، در حقیقت نمایش نمادین همبستگی اسلامی را بومی ساخت و تمرینی برای نمایش بزرگ و بین‌المللی از همبستگی اسلامی در موسم حج فراهم آورد.

رسول خدا برای دین اسلام که دینی جهانی است، با صبغه اجتماعی - سیاسی، ساز و کارهایی تعیبه نمود تا همه افراد را در سراسر گیتی در هویت اسلامی، هم‌پسته سازد و آنان را برای ساخت امت واحد به مشارکت فراخواند.

واقعیت این است که تا همبستگی برقرار نشود، نمی‌توان به مشارکت رسید و راه رسیدن به مشارکت فقط از طریق گذر از پل همبستگی میسر می‌شود.

در این مقاله تلاش شده است که این نظریه اجتماعی با استفاده از آیات قرآن تبیین

^۵ . ابراهیم / ۳۷. ترجمه مجتبی: «پروردگارا! من برخی از فرزندانم را به دره‌ای بی کشت، نزدیک خانه شکوهمند

تو جای دادم، پروردگارا تا نماز به پا دارند، پس دل‌هایی از مردمان را چنان کن که به سوی آنان گرایند و از میوه‌ها روزیشان ده، باشد که سپاس گزارند.»

^۶ . نحل / ۱۲۰.

شود؛ در حقیقت این نظریه قرآنی است و این قرآن است که خود را تفسیر می‌کند.

احترام و حفظ مسجد و معبد برای پایداری همبستگی

نخستین دستور خداوند به انسان، در فرهنگ ادیان و حیانی پس از اعتقاد به توحید، معاد و نبوت، حرمت‌بخشی به معابد و مساجد است و جلوگیری از تخریب و نابودی آنها. چنین است که خداوند اراده نموده است که انسان به معابد و مساجد حرمت نهد و فقط پایگاه همبستگی خود را از دست ندهد و خداوند وعده داده است که چنین افرادی را یاری کند.

« وَ لَوْ لَا دَفَعُ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضُهُمْ بِبَعْضٍ لَهَدَمَتْ صَوَامِعُ وَ يَبَعُ وَ صَلَوَاتُ وَ مَسَاجِدُ يُذَكَّرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثْرًا وَ لَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ »^۷

اکنون با پذیرش حرمت نهادن به مسجد و معبد، شما می‌توانید اندک اندک حرمت نهادن به هر مسلمان را یاد بگیرید و در نهایت به حرمت نهادن به امور انتزاعی و اعتباری گردن نهید.

از این منظر به روایات نگاه کنید که حرمت نهادن به مؤمن را در کنار حرمت نهادن به کعبه قرار داده است.

«عن أبي عبد الله قال الله عزوجل في بلاده خمس حرم رسول الله و حرمه آل رسول الله و حرمه كتاب الله عزوجل و حرمه كعبه الله و حرمه المؤمن»^۸

البته در پاره‌ای از روایات، حرمت مؤمن بیشتر از حرمت کعبه معرفی شده است.

توجه به این نکته مهم است که معارف قرآن به صورت ساختاری به هم پیوسته است، گرچه در شکل نزول و قرائت بر مردم توسط حضرت رسول آیات قرآن به صورت ناپیوسته نازل شده است.

حضور در مسجد، تمرین همبستگی دینی

در آموزه‌های قرآنی، حضور در مسجد یا حفظ حرمت مسجد، منحصرًا کافی نیست، زیرا شما در مسجد از پایگاه فردیت خود حضور پیدا نمی‌کنید، بلکه حضور شما از جایگاه اجتماعی شماست؛ بنابراین باید افزون بر حفظ حرمت مسجد، به عناصر تشکیل دهنده نماد همبستگی نیز حرمت نهید و به آنان به گونه‌ای حرمت نهید که به مسجد حرمت می‌نهد.

اکنون بنگریم که قرآن کریم چه هدیه آسمانی در این زمینه برای ما به ارمغان آورده است:

۱. آراستگی ظاهر هنگام حضور در مسجد

^۷ . حج / ۴۰. «و اگر خداوند برخی را به برخی باز نمی‌داشت هر آینه دیرهای راهبان و کلیساهای ترسایان

و کشت‌های جهودان و مسجدهای مسلمانان [که در آنها نام خدا بسیار یاد می‌شود ویران می‌گردید؛ و البته خدا کسی را که [دین] او را یاری کند یاری خواهد کرد.»

^۸ . کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۱۰۷.

قرآن در خصوص حضور مسلمانان، در مسجد حساسیت نشان داده و برای حضور آنان در مساجد، قانونی ویژه تشریح کرده است. در این قانون آمده است: ای فرزندان آدم باید هنگام حضور در هر مسجد آراسته باشید و خود را با زینت‌هایتان بیارید:

« يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ »^۹

ژرف نگری در واژه واژه آیه، این حقیقت را آشکار می‌کند که هر انسانی هنگام حضور در مسجد، باید از نظر وضع ظاهری به گونه‌ای باشد که موجب نفرت و تنفر دیگران از حضور در مسجد نشود. لزوم آراستگی ظاهری برای حضور در مسجد، با نگاه اجتماعی لحاظ شده است و گرنه در نگاه فردی، هر کسی در فردیت خویش هر گونه که خواست می‌تواند در معبد حاضر شود و به تنهایی با خدای خویش به نیایش پردازد؛ ولی در اسلام، مسجد پایگاه اجتماعی مسلمانان است، از این رو با استفاده از امر در آیه، دستور به آراستگی داده و عمومیت آیه در شمول هر مسجد و در هر زمان ورود دارد، به گونه‌ای که هر انسانی در هر لحظه‌ای که بخواهد به مسجدی وارد شود، باید آراسته باشد. بنابراین آراستگی ظاهر هنگام حضور در مسجد، نخستین گام برای همبستگی، به معنای تحمل یکدیگر و در کنار یکدیگر بودن و احساس قرابت و نزدیکی کردن از لحاظ ظاهری است.

۲. پیراستگی باطن هنگام ورود به مسجد

اکنون وقت آن رسیده است که باطن خویش نیز چونان ظاهر خویش کنید و خود را به زینت‌های اخلاقی (= فضایل) بیارید که «در محضر دوست، آن کس نیکوست که ظاهر و باطنش همسوست»:

« وَ أَقِيمُوا وُجُوْهَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَ ادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ »^{۱۰}

واژه واژه این آیه نیز به صراحت بیان می‌کند؛ آن کس که به مسجد در آید، باید خدا را خالصانه در نظر بگیرد و فقط برای خدا بیندیشد و عبادت و عمل کند. واقعیت این است که تشخیص انسان به تکرر اوست و تکرر او به سادگی می‌تواند به مانعی برای همبستگی تبدیل شود. یگانه راه طی شده در طول تاریخ برای ایجاد همبستگی انسان‌های متکثر، همان راه پیشنهادی در این آیه شریفه است که همه تکررها با یگانه کردن انگیزه‌ها بر مبنای عبودیت و اخلاص، به همبستگی و وابستگی به یکدیگر می‌رسند.

اکنون تصور کنید جمعی را که در مسجد حاضرند و آراسته ظاهر و پیراسته باطن، آیا آنان مشکلی برای همبستگی با یکدیگر در ظاهر و باطن دارند؟ آیا تصور می‌شود که آنان آماده مشارکت در کارها با یکدیگر نباشند؟ آیا تصور می‌شود که آنان غمخوار یکدیگر نباشند؟ آیا تصور

^۹ اعراف / ۳۱. ترجمه مجتبی: «ای فرزندان آدم، نزد هر مسجدی - به هنگام نماز - آرایش خویش - جامه و آن چه

مایه آراستگی است - فراگیرید.»

^{۱۰} اعراف / ۲۹. ترجمه مجتبی: «او روی توجه خویش نزد هر مسجد هنگام هر نماز به سوی او فرا دارید،

و او را بخوانید در حالی که دین را ویژه او کرده باشید - بای او انباز نگیرید.»

می‌شود که آنان در برابر سرنوشت اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و... یکدیگر بی‌اعتنا باشند؟ و در نهایت آیا آنان مانعی برای تشکیل امت واحده دارند؟
حقیقت این است که در این ساختار، هنگام حضور در مسجد (آراسته ظاهر و پیراسته باطن)، من خود را در او می‌بینم و او خود را در من می‌بیند، هر چه را برای خود دوست داشته باشم، برای او دوست دارم و هر چه برای او نخواهم، برای خود نیز نمی‌خواهم؛
امام علی علیه‌السلام فرمود:

«یا کمیل المؤمن مرآة المؤمن لأنه يتأمله و يسدّ ويجمّل حالته یا کمیل المؤمنون إخوةٌ و

لاشيء آثر عند كلّ أخ من أخيه یا کمیل ان لم تجبّ أخاك فلست أخاه»^{۱۱}

از این رو هنگامی که مؤمن به دیگر مؤمن نگاه می‌کند، گویا هر دو یکی هستند و همبسته و وابسته؛ به تعبیر مولوی:

جان گرگان و سگان از هم جداست متحد جان‌های شیران خداست^{۱۲}

مسجد نماد همبستگی اسلامی

۱. مسجد سازی برای ایجاد همبستگی

در تاریخ اسلام، حوادث شگفت‌آوری رخ داده است که از منظر الهی، اهمیتی فراوان داشته و در وحی خداوند به پیامبر گرامی اسلام بازتاب یافته است تا به ما بیاموزد که از این حوادث تاریخی، باید عبرت آموخت و برای همیشه در قالب نخستین و گویاترین نمونه در حافظه تاریخی مسلمانان به یادگار بماند. حادثه چنین رخ داده است:
مسجد، نهضت مسجدسازی به سرعت شگفت‌آوری در میان مردم مدینه آغاز گشت و مسجدهای فراوانی در زمانی کوتاه، پدید آمد و انگیزه مسلمانان از مسجدسازی در این دوران در این آیه به روشنی بیان شده است:

«لَمَسْجِدٍ أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَى مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَنْ يَتَطَهَّرُوا
وَ اللَّهُ يُحِبُّ الْمُطَهَّرِينَ»^{۱۳}

پیامبر گرامی اسلام از این روند رو به رشد مسجدسازی در میان مسلمانان استقبال کردند، ولی در سال نهم هجری در برابر مسجدسازی ابو عامر، پدر حنظله شهید «غسیل الملائکه» در دهکده قبا، واکنش تندی از خود نشان دادند و دستور دادند این مسجد را

^{۱۱} نوری، مستدرک الوسائل: ج ۹، ص ۴۸، باب وجوب أداء حق المؤمن.

^{۱۲} مولوی، مثنوی معنوی، دفتر چهارم: ص ۳۵۰.

^{۱۳} توبه / ۱۰۸. «هر آینه مسجدی که از نخستین روز بر پرهیزگاری بنا شد، -مسجد قبا- سزاوارتر است که در آن

به نماز بایستی، که در آن مردانی‌اند که دوست دارند پاکی ورزند و خدا پاکی ورزان را دوست دارد.»

خراب کنند و تیرهای آن را بسوزانند و برای مدتی، این مکان مرکز زباله باشد.^{۱۴}
در قرآن چه بسیار زیبا و گویا به این واقعیت تاریخی به کارکردهای مسجد ضرار اشاره شده است:

« وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا وَكُفْرًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَإِرْصَادًا لِمَنْ حَارَبَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ مِنْ قَبْلُ وَلِيُخَلِّفُنَّ إِنَّ أَرْضَنَا لِلَّهِ الْحُسْنَىٰ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ »^{۱۵}

در این آیه به صراحت بیان شده است که کارکرد مسجد «ضرار» در صدر اسلام در راستای تحقق همبستگی اسلامی نبوده است. این واقعیت تلخ تاریخی است که برخی افراد فرصت طلب از طرح رسول خدا در مسجدسازی برای افزایش همبستگی، سوء استفاده کردند و همان طرح را برای کاهش همبستگی به کار گرفتند، ولی رسول گرامی اسلام به سرعت واکنش نشان داد و با تخریب مسجد ضرار، نهضت مسجدسازی را به راه و انگیزه اصلی خویش رهنمون ساخت.
بنابراین با توجه به تصریح قرآن، مهم‌ترین کارکرد مسجد، باید ایجاد و افزایش همبستگی باشد و هر مسجدی که در راستای همبستگی اسلامی عمل نکند، مسجد نیست؛ زباله دانی است که به اشتباه نام مسجد بر آن نهاده شده است.

از سوی دیگر، انسان‌هایی تاریخ ساز متولد می‌شوند، که به سرعت نماد یک قوم و ملت خواهند شد. بدیهی است شما در این زمینه به قرآن بنگریم که چگونه با استفاده از مسجدسازی بر قبور اصحاب کهف، ضمن ماندگار کردن نام و کار آنها در حافظه تاریخ، نماد واحد همبستگی را در ادیان و حیانی ارائه می‌کند:

« قَالَ الَّذِينَ غَلَبُوا عَلَىٰ أَمْرِهِمْ لَنَتَّخِذَنَّ عَلَيْهِم مَّسْجِدًا »^{۱۶}

با این نگرش است که همیشه بنای یادبود بزرگان و تاریخ سازان در فرهنگ اسلامی با مسجد شکل گرفته و با مسجد حفظ شده است و با آن تداوم خواهد یافت.

۲. جهت دهی عبادی اعمال در مسجد برای تداوم همبستگی

همبستگی به نقطه اتکایی نیاز دارد که در دراز مدت کارکرد خود را حفظ کند و تداوم یابد. حقیقت این است که فقط نقطه اتکایی که برای تداوم همبستگی اسلامی در مسجد می‌توان تصور کرد، جهت دهی عبادی به کارها در مسجد است. اگر می‌بینید که به تاریخ صدر اسلام نگاه کنید،

^{۱۴} سبحانی، فزاهایی از تاریخ پیامبر اسلام: ص ۴۸۶.

^{۱۵} توبه / ۱۰۷. «او گروهی از منافقانند آنان که مسجدی گرفتند - ساختند - برای گزند رساندن و کفر ورزیدن و جدایی افکندن میان مؤمنان و ساختن کمینگاهی برای کسانی که با خدا و پیامبر او از پیش در جنگ بودند.»

^{۱۶} کهف / ۲۱. «کسانی که بر کارشان آگاهی و دست یافتند - یکتا پرستان - گفتند: ما بر آنان مسجد می‌سازیم.»

مسجد در آن زمان کارکردی چند منظوره داشته است و فقط برای نماز و اعمال عبادی خاص مثل اعتکاف و غیره نبوده است. شما به احکام فقهی بنگرید؛ برای حضور و توقف در مسجد فقط چند مورد استثنا شده است؛^{۱۷} در این صورت شما برای هر کاری (بجز موارد استثنا) می‌توانید به مسجد وارد شوید و در آن جا حضور یابید، اما فقط یک شرط را باید رعایت کنید و آن شرط، جهت دهی عبادی به کارهایتان است. اکنون به سخن قرآن بنگریم:

« قُلْ أَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ وَأَقِيمُوا وُجُوهَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ كَمَا بَدَأَكُمْ تَعُودُونَ »^{۱۸}.

آوردن واژه «وجه» و کنار هم چیده شدن واژه‌های «بالقسط»، «وجهکم»، «ادعوه» و «مخلصین»، خود گویای این واقعیت است که روی و جهت هر کاری در مسجد، خداخواهی و عبودیت باید باشد. با این جهت‌گیری، هر کاری در مسجد عبادت است و جز کار عبادی در مسجد رخ نخواهد داد.

بگذارید دوباره از قرآن استمداد جوییم تا معارف خویش را بر ما مکشوف سازد:

«وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا»^{۱۹}.

در این آیه نیز به وضوح جهت‌گیری عبادی اعمال در مسجد بیان شده است. از این منظر نیازی به اثبات چند منظوره بودن مسجد با استفاده از تاریخ نیست؛ گرچه تاریخ اسلام و سیره رسول گرامی اسلام و امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام مؤید این برداشت نیز خواهد بود.

۳. استفاده عمومی از مسجد نه انحصاری در قالب نماد عام همبستگی

اصولاً هنگامی که مکانی به مسجد اختصاص داده شد، آن مکان از ملکیت انسان خارج شده و در ملک خداوند قرار می‌گیرد:

«إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنِ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ»^{۲۰}.

البته ارزشمندی تخصیص ملک به مسجد به این است که براساس تقوا و قربه‌ی الی الله باشد:

«لَمَسْجِدٍ أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَى مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَنْ يَتَطَهَّرُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُطَهَّرِينَ»^{۲۱}.

^{۱۷} بقره / ۱۸۷.

^{۱۸} اعراف / ۲۹. «بگو: پروردگار من به انصاف و داد فرمان داده و این که روی - و توجه - خویش نزد هر مسجدی - و هنگام هر نمازی به سوی او - فرا دارید و او را بخوانید در حالی که دین را ویژه او کرده باشید».

^{۱۹} جن / ۱۸. «و همانا مسجدها - یا اندام‌های سجده - برای خداست، پس با خدای یکتا کسی را بخوانید - نپرستید».

^{۲۰} توبه / ۱۸. «همانا مسجدهای خدای را آن کس - باید - آباد کند که به خدا و روز بازپسین ایمان آورده».

^{۲۱} توبه / ۱۰۸. «هر آینه مسجدی که از نخستین روز بر پرهیزکاری بنا شده - مسجد قبا - سزاوارتر است که در آن

به نماز بایستی، که در آن مردانی‌اند که دوست دارند پاکی ورزند و خدا پاکی ورزان را دوست دارد».

بر این مبنا استفاده از ملک خداوند در جهت خشنودی و تقرب به او برای همگان یکسان است و انحصاری در این زمینه امکان‌پذیر نیست و همگان آزادند از آن برای کارهای عبادی خویش استفاده کنند. در این زمینه رهنمودهای الهی در قرآن کریم راه‌گشاست. در قرآن کریم با کسانی که مردم را از استفاده عبادی از مسجد منع می‌کنند به شدت برخورد می‌شود و آنان را ستمکارترین انسان‌ها بر می‌شمارند:

« وَ مَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَسَاجِدَ اللَّهِ أَنْ يُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ وَسَعَىٰ فِي خَرَابِهَا. »^{۲۲}

بر مبنای طرح رسول گرامی اسلام در نهضت مسجدسازی، باید مسجد به صورت نماد همبستگی اسلامی از انحصار گروه یا طایفه و قوم و قبیله‌ای خاص درآید. افزون بر این، مسجد در قالب نماد همبستگی اسلامی باید از اختصاصی و انحصاری شدنش برای ادای چند عمل عبادی به معنای خاص درآید تا به کارکرد عام و اصلی‌اش برسد، همان کارکردی که مسجد در زمان رسول گرامی اسلام داشت.

۴. محافظت از مسجد و جلوگیری از تخریب نماد همبستگی

پس از ایجاد نماد همبستگی و طراحی ساز و کار لازم برای تداوم همبستگی، اکنون لازم است که از این نهاد محافظت نمود و در برابر هر اقدامی برای تخریب آن جلوگیری کرد. در این زمینه فقه اسلامی احکام فراوان و بسیار سخت‌گیرانه‌ای برای تعمیر و نوسازی مسجد دارد؛ افزون بر این در فقه اسلامی، تغییر کاربری مسجد منتفی است و مسجد برای همیشه باید مسجد باقی بماند. در این باره قرآن کریم تلاش در جهت تخریب مسجد را بزرگترین ظلم معرفی می‌کند:

« وَ مَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَسَاجِدَ اللَّهِ أَنْ يُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ وَسَعَىٰ فِي خَرَابِهَا أُولَٰئِكَ مَا كَانَ لَهُمْ أَنْ يَدْخُلُوهَا إِلَّا خَائِفِينَ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ. »^{۲۳}

بدیهی است وقتی نمادی برای همبستگی اسلامی توسط پیامبر معرفی شد، نمی‌توان آن را تغییر داد و یا اقدام به تخریب آن کرد، بنابراین این حفاظت از نماد همبستگی اسلامی و جلوگیری از تخریب آن، وظیفه‌ای همگانی است.

آینده را از مسجد و با مسجد بسازیم

آینده را از نو نمی‌سازیم، ما کوله‌باری از تجربه به همراه داریم با بیش از هزار و چهارصدسال پشتوانه، اکنون باید دوباره بیندیشیم که چه داریم و چه کم داریم؟ باید بیندیشیم که چه می‌کنیم و چه باید بکنیم؟

^{۲۲}. بقره / ۱۱۴. « کیست ستمکارتر از آن که نگذاشت در مسجدهای خدا نام او را یاد کند و در ویرانی آن‌ها کوشید.»

^{۲۳}. بقره / ۱۱۴. « کیست ستمکارتر از آن که نگذاشت در مسجدهای خدا نام او را یاد کند و در ویرانی آن‌ها کوشید؟ اینان را نرسد که در آیند مگر بیمناک و هراسان؛ آنان را در این دنیا خواری و رسوایی و در آن جهان عذابی بزرگ است.»

واقعیت تاریخی این است که در طرح نبوی، مسجد هم معبد بوده است و هم مدرس؛ هم محراب بوده است و هم مهمانخانه. از این رو باید آینده را از مسجد بسازیم و آینده خویش را با مسجد تضمین کنیم. همان گونه که از آیات و تاریخ صدر اسلام برمی آید. در پایان اگر مسجد، کارکردهای تعریف شده خود (در آیات و سیره) را داشته باشد و از انحصار گروه یا عمل خاصی درآید، بدون تردید دوباره همان کارکرد تربیتی گسترده‌ای را که در صدر اسلام داشت، پیدا خواهد نمود و در قالب نماد همبستگی در سطح ملی مطرح خواهد شد.

منبع: مرکز رسیدگی به امور مساجد

